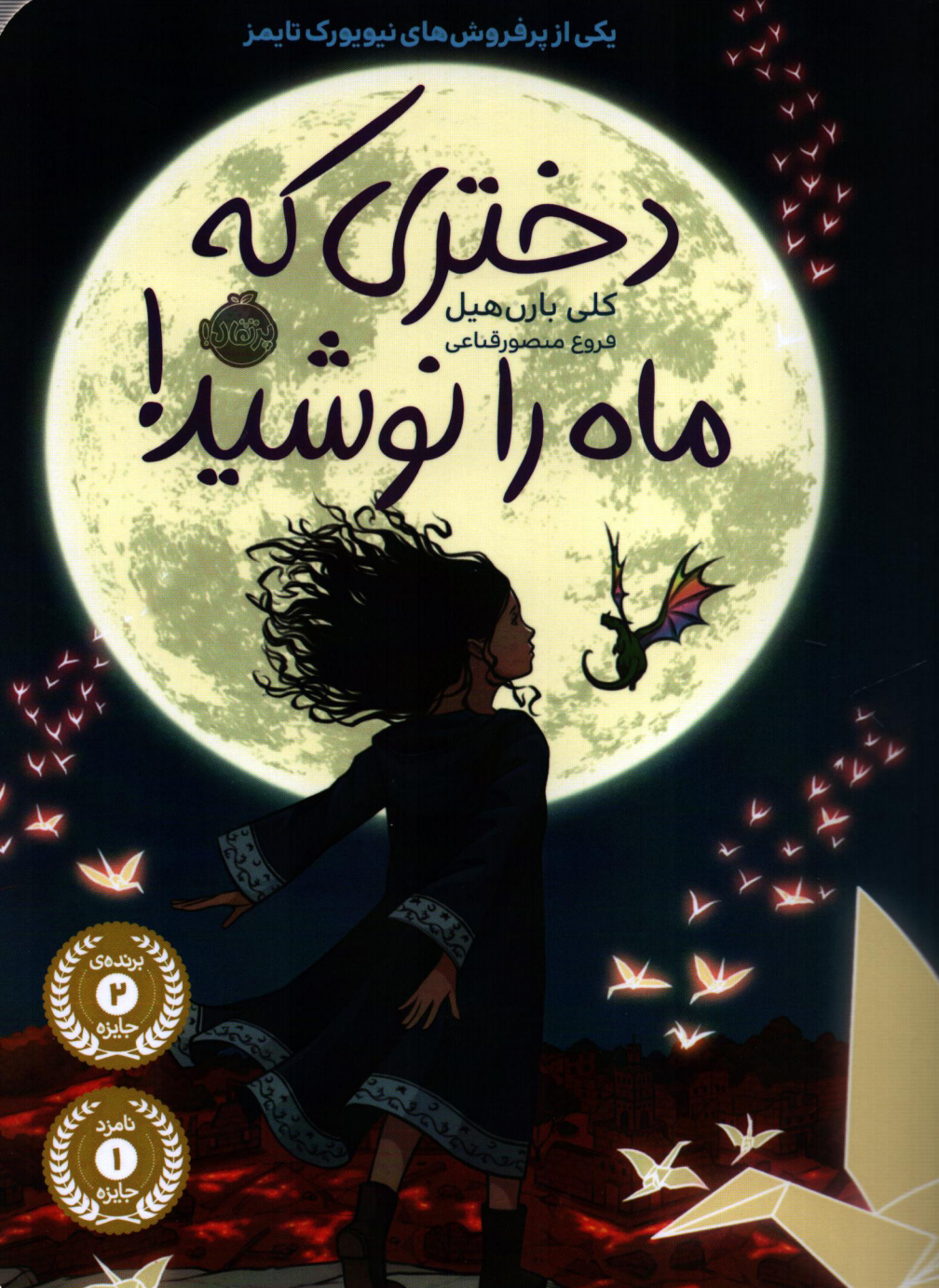


یکی از پرفروش‌های نیویورک تایمز

دختری که ماه را نوشید!

کلی بارن هیل
فروع منصورقناعی



جایی که داستانی تعریف می شود

نله

یه حادوگر تو حنگله همیشه یه حادوگر بوده
می شه یه بار هم که شده دست ار شلوع ناری برداری؟ وای حدایا! تا حالا
بچه ای نه این سرتقی ندیده بودم
نه عریر دلم، تا حالا ندیدمش هیچ کس ندیدتش خیلی ساله ما یه کارایی
می کنیم تا هیچ وقت محبور بشیم بییمش
کارای وحشتناک
محبورم نکن نگم تو که خودت می دونی
می دونم عریرم هیشکی نمی دونه اون چرا بچه ها رو می حواد نمی دونم چرا
همیشه اصرار داره کوچیک تریس عضو ما رو سره نمی شه راحت ارش پرسیم
کسی تا حالا اونو ندیده ما می حوایم حیالمون راحت ناشه که هیچ وقت هم
نمی بییمش
معلومه که خود داره این چه سؤالیه! یه نگاه به حنگل سذار! خیلی خطرناکه!
دوده های سمی، چاهها، آتشفشان های حوشان و هرار تا خطر دیگه هر طرفش
هست فکر می کنی ایبا اتفاقیه؟ نه! همه ی ایبا نه خاطر حادوگره و آگه به چیری
که می حواد عمل نکنیم، می دونی ناهامون چی کار می کنه؟

جایی که یک زن بدبخت دیوانه می‌شود

آن رور صبح گرلاند، رئیس انحصار بررگان، کارهایش را آرام و نا وسواس انجام داد رور قربانی یک‌بار در سال بود او دوست داشت در صف آرام و آهسته‌ی مردم تا حانه‌ی بعین‌شده و نارگشت عم‌انگیر از آنجا، نه بهترین شکل ممکن دیده شود حتی بقیه‌ی بررگان را هم نه این کار تشویق می‌کرد نه نطرش اینکه آدم خودش را حلوی توده‌ی مردم خوب نشان بدهد، اهمیت زیادی داشت

با دقت روی گونه‌های چروکیده‌اش سرحاب مالید و نه چشم‌هایش سرمه کشید دیدان‌هایش را توی آینه نگاه کرد که کثیف باشد یا حرده‌عداایی لای‌شان مانده باشد عاشق آینه‌اش بود، تنها آینه‌ی موحود در پروتکتوریت برای گرلاند بررگ‌ترین لذت دنیا این بود که چیری فقط و فقط مال خودش باشد او دوست داشت خاص باشد انحصار بررگان دارایی‌های زیادی داشتند که در پروتکتوریت محصور به‌فرد بودند این از خوبی‌های شعل‌شان بود

پروتکتوریت که بعضی‌ها آن «پادشاهی علف دُم‌گره‌ای» و بعضی «شهر عم‌ها» می‌گفتند، در محاصره‌ی دو چیر قرار گرفته بود از یک طرف جنگلی ترسناک و اسرار‌آمیز و از طرفی دیگر مردانی بررگ وسیله‌ی کسب و کار بیشتر مردم پروتکتوریت همان مرداب بود مادرها نه فرزندانشان می‌گفتند آینده در مرداب است البته نه همه‌ی آینده، ولی از هیچی که بهتر بود مرداب در فصل بهار پر از حوانه‌های گیاه زیرین^۱ بود در تاستان گل‌های زیرین، و در پاییز ریشه‌های

۱- Zirin نوعی گیاه دارویی